

له گوێزه‌کوێره هه‌تا به‌غدا

مامۆستا عەبدولکەریم مودەس لە ۱۹۰۱دا لە دینی گوێزه‌ کوێزی سەر بە نارنجی مەریوان لە دایک بووه و خۆمه‌کانی هیشتا له‌و گونددا دۆزین موخه‌مه‌دی یارکی له‌ بالکی مەریوان مردوه‌ له‌وێش نێژراوه‌ ۱۹۰۱دا ده‌ستی کرد به‌ خوێندن له‌ نارنجی مەریوان به‌ سوخته‌ی چهن شوێنیکی مەریوان گه‌راوه‌.

خوێندنی ته‌سه‌ریکی زنجانی و زانسته‌کانی سەرف و نه‌حو له‌ مژگه‌وته‌کانی نارنجی که‌

• صفحه ۱۰ •

کۆرنۆشی پارائۆلۆمپیاد بۆ کۆری شنۆ

افزایش سرمایه گذاری خارجی در اقلیم کردستان

مدارای اجتماعی

کردهای ترکیه؛ اوج گیری خشونت ها

رنجی که انسان در آثار بختیار علی می برد

له باره‌ی فۆلكلۆری كوردیه‌وه

كۆرده‌كانی سووریا چۆن لیكدانه‌وه‌كانی

توركیایان پووچه‌لّ كرده‌وه

پاریزگاری کوردستان: بهره‌نگاری فضای ئەمنیهتی

زالّ به سەر ئەدهبی کوردی ده‌یین

کەلتۆری نەم پارێزگا کرد و ڕایگهیاند: دڵنیام بەرزکردنەوی کەلتۆر و نەهه‌بی کوردی به‌کێکه‌ له‌و کەرسانه‌یه‌ که‌ ده‌وائێت زه‌ختی نه‌هه‌یه‌تی له‌سه‌ر نەم نارنجیه‌ که‌م به‌کات و ده‌رفه‌ته‌کانی هاوکاری ده‌ولەت و نارنجی چهند هه‌ینه‌ به‌کاته‌وه‌.

راشیه‌گهیاند: نیه‌داری پارێزگا به‌ هاوکاری نیه‌داری فهره‌هنگ و نهرشادی نیه‌لامی هه‌وله‌کانی خۆی بۆ کردنەوی ژووری هاوهری، کردنەوی به‌ به‌شداری قوباد مه‌مه‌نه‌ت نابادی، به‌رئۆهری گه‌شتی نیه‌داری فهره‌هنگ و نهرشادی نیه‌لامی کوردستان به‌رئۆهری، هه‌ونه‌مه‌ندان دواي ناساندنی خۆیان به‌ پارێزگاری کوردستان و به‌ دروست کردنی فه‌زایه‌کی ده‌ستانه‌ جه‌ختیان له‌سه‌ر

به‌رته‌ی نه‌هه‌یه‌تی و سانسۆر له‌ به‌لۆکردنەوی به‌ره‌مه‌کانیان کرد و داواکاری پێداچۆنه‌وه‌یه‌کی دڵسه‌زانانه‌ له‌مه‌باریه‌وه‌ له‌ لایهن کاربه‌ده‌ستانی پارێزگا و به‌هرسانی نیه‌داری نهرشادی نیه‌لامی بوون.

هه‌روها، پارێزگاری کوردستان دواي به‌هره‌سه‌نه‌وی هه‌وله‌کان بۆ نیه‌داری کردنی خه‌یجای تابه‌یه‌ بۆ به‌هه‌یه‌تی زۆر له‌م داواکاریانه‌ستان به‌ گه‌ڕانی کاربه‌ده‌ستانی تاران زیاده‌یی کرد: به‌ داخوه‌ که‌سه‌نی چارچه‌سهریه‌یه‌کان و ناسانه‌کاریه‌یه‌کان و له‌وان مافی به‌لۆکردنەوه‌ به‌ی.

هه‌روها، پارێزگاری کوردستان دواي به‌هره‌سه‌نه‌وی هه‌وله‌کان بۆ نیه‌داری کردنی خه‌یجای تابه‌یه‌ بۆ به‌هه‌یه‌تی زۆر له‌م داواکاریانه‌ستان به‌ گه‌ڕانی کاربه‌ده‌ستانی تاران زیاده‌یی کرد: به‌ داخوه‌ که‌سه‌نی چارچه‌سهریه‌یه‌کان و ناسانه‌کاریه‌یه‌کان و له‌وان مافی به‌لۆکردنەوه‌ به‌ی.



مه‌ها و مه‌له‌ای له‌باس نانه‌سه‌ب و روش های غیر اصولی از فرهنگ را تبلیغ می کنند فرهنگ منطقه و کشور در معرض تهدید واقعی قرار گرفته و قصد دارند فرهنگ و آداب و رسوم این ملت را به تباهی و نابودی بکشانند.

وی بیان داشت: دانشگاه نقش تعیین کننده ای در تقویت و حفظ فرهنگ قومی و بومی و پوشش های محلی دارد و دانشگاههای استان به ویژه دانشگاه کردستان در این راستا می تواند ثمرات و نقش نتیجه بخشی را ایفاء کند و نمایندگان کردستان در این زمینه و در زمینه های دیگر تلاش و همکاری لازم را با این مراکز و به ویژه این دانشگاه با سابقه خواهند داشت.

سهولت پیش نخواهد رفت.

کریمیان گفت: ما به مدیریت تفاهمی و متعادل اعتقاد داریم اگر چه در تغییر مدیران اجرایی استان حاشیه های بوجود آمد که این وحدت خدشه وارد شد و از مدیریت استان انتظار می رود که این وحدت و یک رنگی را حفظ نمایند.

وی در ادامه افزود: رابطه نمایندگان با استاندار تا قبل از تودیع و معارفه مدیر کل ورزش و جوانان استان خوب بود ولی در حال حاضر روابط یک مقداری کم رنگ تر شده ولی با سایر مدیران استانی مشکل خاصی وجود ندارد اما ضعفهایی در عملکرد برخی مدیران مشاهده می شود و باتوجه به نقش نظارتی نمایندگان

امیدوارم این ضعفها تبدیل به قوت و فرصتی برای رشد و شکوفایی استان شود در غیر اینصورت ما با هیچ مدیری بر سر عدول از وظایف قانونی خود و یا عدم پی گیری مطالبات مردم عقد اخوت نیسته ایم



امید کریمیان در رابطه با وضعیت مدیران استان نیز سخن گفت و افزود: حوزه وظایف مدیران اجرایی و نظارتی و قانون گذاری تعریف شده می باشدو بر این اساس هر کس به وظیفه خود عمل می کند. اما اگر وحدت و همدلی و یکرنگی حاکم نباشد امور به

امضای ۷ طرح و لایحه و تصویب نهایی آن اقدام نموده ام. و به عنوان ناظر مجلس در کارگروه ایجاد تسهیل و تسریع در صدور مجوز از دستگاههای اجرایی از سوی نمایندگان مجلس انتخاب شده ام. وی در ادامه گفت: برای حوزه انتخابیه ام نیز پی گیر اخذ تسهیلات بانکی برای سرمایه گذاران بخش خصوصی از جمله کارخانه سیمان و کارخانه نان صنعتی و پی گیری احداث راه مریوان- سنندج و قرار گرفتن آن در فهرست پروژه های مهر ماندگار و پی گیری طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری - صنعتی مریوان و سروآباد و سایر پروژه های عمرانی سطح شهرستانهای مریوان و سروآباد از جمله احداث تونل اورامان بوده ام.

امید کریمیان در رابطه با وضعیت مدیران استان نیز سخن گفت و افزود: حوزه وظایف مدیران اجرایی و نظارتی و قانون گذاری تعریف شده می باشدو بر این اساس هر کس به وظیفه خود عمل می کند. اما اگر وحدت و همدلی و یکرنگی حاکم نباشد امور به

خارج کنند از جمله با اتکا به منابع طبیعی سرشاری که این استان دارا می باشد.

این نماینده مجلس در رابطه با برنامه های اقتصادی دولت نیز به چرو گفت: دولت در حد توان خود در زیرساخت های عمرانی و اعطای تسهیلات بانکی به طرح های اشتغالزایی اقداماتی را انجام داده است ولی در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان کردستان ، از ظرفیت های انسانی ، امکانات و مواهب طبیعی بهره برداری مناسب صوت نگرفته است .

نماینده مریوان اظهار داشت: چرا با وجود این همه امکانات و مواهب خدادادی ، شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی کردستان ، همچنان در مرتبه های آخر استان های کشور قرار دارد.

برخی از این مشکلات را می توان در بی بهره ماندن استان از سرمایه گذاری های کلان دولتی و خصوصی و حاشیه شدن استان در فرآیند توسعه ی ملی طی دست کم نیم قرن اخیر و آثار و مسائل ناشی از آن همچون بیکاری مزمن ، تورم شدید ، مهاجر فرستی ، پایین بودن درآمد سرانه ، حاشیه نشینی و ... یافت .

امید کریمیان همچنین با اشاره به فعالیت های انجام شده نمایندگان گفت: باتوجه به وظیفه قانونگذاری و نظارت نمایندگان اینجانب باتوجه به عضویت در کمیسیون اقتصادی مجلس تاکنون نسبت به

امید کریمیان نماینده مردم مریوان و سروآباد در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با چرو اعلام کرد: استان کردستان با پر خودداری از موقعیت استراتژیکی و منابع غنی شرایط جغرافیایی مناسب و مستعدی را برای توسعه اقتصادی در بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات دارا می باشد اما عقب ماندگی تاریخی استان کردستان در زمینه مسائل اقتصادی جایگاه این استان را در میان ۳۰ استان کشور در رده های اخر قرار داده است .

وی افزود: در سالهای گذشته به دلیل عدم سرمایه گذاری دولتی ناشی از جنگ تحمیلی ، میزان سرمایه گذاری در این استان رو به کاهش گذاشت و با ایجاد شائبه عدم امنیت ، گرایش به سرمایه گذاری بخش خصوصی نیز بسیار محدود گشت هر چند که موفقیت های جزئی در جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی حاصل شده است اما کافی نیست و این وضعیت روند توسعه استان را در هاله ای از ابهام قرار داده است .

کردستان به دلیل همجوار بودن با کشور عراق به صورت طبیعی از پتانسیل های بسیار بالایی برای ایجاد روابط تجاری و اقتصادی برخوردار است و می تواند پل ارتباطی بسیار خوبی برای فعالیت اقتصادی دیگر استانهای کشور نیز باشد. کریمیان همچنین اعلام کرد: عوامل متعددی می تواند استان کردستان را از وضعیت فعلی

نماینده مردم مریوان و سروآباد در مجلس:

از ظرفیت های موجود برای توسعه کردستان استفاده نمی شود

...

نگاه ویژه به زبان و فرهنگ کردستان در مراکز دانشگاهی استان ضروریست

حفظ، حمایت و تقویت آن در راستای ارتقاء فرهنگ بومی و ملی در مراکز دانشگاهی استان به ویژه دانشگاه کردستان به عنوان یک دانشگاه توانمند و مادر در اولویت باشد و توجه و اقدام لازم در این حوزه ضروری است.

بیاتیان گفت: متأسفانه امروز در شهرها و مناطقی از استان فرهنگ و آداب و رسوم کردی مورد بی مهری قرار گرفته و به عنوان مثال لباس کردی که از پوشش های اصیل و مناسب دنیاست و یکی از فاکتورها و ابزار و شاخصه های کردها می باشد در حال فراموشی بوده و کمتر از آن استفاده می شود و اکثر جوانان جین پوش و اروپایی پوش شده اند و با جنگ رسانه ای که در حال رشد است و انواع

و حسن آباد یاسو کنند در مجلس نهم گفت: نگاه ویژه به فرهنگ، زبان و آداب و رسوم کردستان در مراکز دانشگاهی استان جهت حفظ، تقویت و بهره گیری از آن ضروری است و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

به گزارش خبرنگار کردپرس سید محمد بیاتیان در نشست مجمع نمایندگان مردم کردستان با اعضاء هیئت رئیسه دانشگاه کردستان افزود: نگاه به فرهنگ، هنر، زبان و آداب و رسوم کردستان براساس فرمایش رهبر انقلاب مبنی بر قلمداد کردن زبان کردی به عنوان یک سرمایه ملی و نگاه مدبرانه و ادیبانه معظم له به هنر و فرهنگ کردستان باید



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:	محمد هادیفر
سر دبیر:	دکتر اسکندر مرادی
دبیر بخش فارسی:	سید وریا شیخ ذکریایی
دبیر بخش کردی:	امجد غلامی
مدیر داخلی :	هورامان بهرامی
صفحه آرایی و لگو:	سروش و کیلی ۰۹۱۸۷۸۸۸۲۰۰
تلفن: ۰۸۷۱۶۶۲۹۳۸۵	فاکس: ۰۸۷۱۶۶۲۹۳۸۹



پیاویک له به ره کهت ...

مه لا عه بدولکه ریمی موده پرس

ارتقاء سلامت،سلامت روان وعوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روان

در حال حاضر نابرابری در برخورداری از (سلامت) در بین کشورهای مختلف به صورت چالشی جهانی در آمده است، به طوری که امروزه شاهد تفاوت ۴۸ساله در امید به زندگی بین کشورهای مختلف و تفاوتی ۲۰ ساله در داخل برخی از کشورها هستیم. بنا به مطالعه صورت گرفته، سهم ژنتیک در سلامت افراد۱۵ درصد،محیط فیزیکی با ۱۰درصد،نظام مراقبت بهداشتی در کشورها با ۲۵درصدو عوامل اجتماعی با ۵۰درصد از عوامل مؤثر بر سلامت هستند. در کشورهای بسیار ثروتمند،فقرا عمر کوتاهتری دارند.همچنین درسراسر دنیا،افراد محروم دسترسی کمتری به منابع بهداشتی دارند.به اعتقاد کمیسیون بررسی عوامل تاثیرگذاربرسلامت اجتماعی افرادیعدالتی در سلامت در کشورها درحال گسترش است ودلیل اصلی آن نیزنگاه سرمایه داری به جهان است.پس از جنگ جهانی دوم میزان مرگ ومیر در دنیا کاهش یافته است که کمتراز۴درصداز این کاهش،مربوط به پیشرفتهای علم پزشکی و مابقی به دلیل اثرات عوامل اجتماعی بوده است.

عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت SDH، رویکرد یکپارچه ای برای رویارویی با معضلات بهداشتی، ارتقای سطح بهداشت عمومی و حرکت به سوی «جامعه سالم تر» است. در این رویکرد مشکلات بهداشتی و بیماری های جسمی و روانی از منظر اجتماعی نگریسته می شود، پس با شناخت این تعیین کننده ها می توان از آن ها در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های بهداشتی استفاده کرد. عواملی چون جنسیت، فقر، بیکاری، فشارهای روانی، میزان درآمد، شرایط اشتغال، حمایت اجتماعی، تغذیه و تعصبات از مهم ترین عوامل تعیین کننده اجتماعی سلامت هستند که مطالعه و بررسی هر یک از این عوامل و پی بردن به روابط ساختاری میان آن ها از اهداف مورد تاکید و نوین سازمان جهانی بهداشت است. امروزه موضوع سلامتی در اولویت دستور کار توسعه بین المللی قراردارد و نابرابریهای سلامت بین کشورها و در درون جوامع دغدغه اصلی جامعه جهانی شده است. فرصت بی سابقه ایی بوجود آمده است تا سلامت در برخی از فقیرترین و آسیب پذیرترین کشورهای جهان ارتقا پیدا کند. به شرط آنکه راه کارهایی انتخاب شود که علل اصلی و واقعی مشکلات بهداشتی را از میان بردارد که مهمترین آنها شرایط اجتماعی است که افراد جامعه در آن زندگی و فعالیت می کنند و از آنها بعنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت SDH نام برده می شود.

دنیای اینترنت منبع عظیمی از اطلاعات است که روز به روز برحجم آن افزوده می‌شود. در حال حاضر با رشد روز افزون اطلاعات این منبع، حجم گسترده ای از منابع اطلاعاتی حوزه های مختلف مثل کتب، مجلات، پایان نامه ها، طرحهای پژوهشی و پایگاههای اطلاعاتی در بسترهای جدید و با قابلیتهای متنوعی در مقایسه با منابع چاپی قابل دسترسی هستند. این در حالی است که ایجاد وب سایت ها و وبلاگ های جدید ارائه محتوا، بر حجم و غنای این اطلاعات می افزاید. نرخ رشد اطلاعات تا به آنجا رسیده که امروزه شکل «دسترسی به اطلاعات» جدی تر از «فقدان اطلاعات» است. امروزه چالش عمده اکثر کاربران، دستیابی به اطلاعات آن هم در وب پنهان می باشد.

مرور نوشته ها حاکی از آن است که به احتمال قریب به یقین عبارت وب پنهان/ نامرئی نخستین بار درسال ۱۹۹۴ توسط ژیل السورث ابداع شده است. البته معدودی از منابع نیز شخص دیگری به نام متیوکل را به عنوان مبدع ایناصطلاحمعرفیمی‌کنند

پرایس و شرمن به طور خلاصه اظهار می کنند که وب پنهان آن بخش از فضای شبکه جهانگستر وب می باشد که عمدتاً شامل منابع اطلاعاتی غیرمتنی و بویایی است که به هر دلیل، به طور موقت یا دائم خارج از حوزه جستجو و بازیابی موتورهای جستجو قرار دارند و بازیابی اطلاعات موجود در آن از طریق استفاده مستقیم از این موتورها میسر نمی‌باشد. امکان بازیابی اطلاعات در وب پنهان، را برای موتورهای جستجو از نظر فنی میسر نیست، یا محدودیت‌های مالی مانع از نمایه‌سازی این منابع شده‌است.

برای شناسایی لایه های وب پنهان آنها را می توان به چند دسته تقسیم کرد. وب مات یا تاریک، وب عمیق ، وب خصوصی و یا وب ملکی واینترنتواقعاپنهان.

اگر سائیتی هیچ پیوندی با منابع و سایت های دیگر نداشته باشد توسط هیچ موتورجستوبی شناسایی نمی شود. همچنین موتورهای جستجو بنابر سیاست پایه گذاران آن و محدودیت های مالی سازمان مربوطه نمی توانوند تمام صفحات

عوامل مؤثر اجتماعی جایگاه های مختلف مردم را در نردبان اجتماعی قدرت و منابع نشان می دهد. شواهد دلالت بر آن دارد که اکثر بار اجتماعی بیماریها و نابرابریهای بهداشت و سلامت ناشی از عوامل اجتماعی است. اهداف توسعه هزاره (MDGs) این وابستگی میان سلامت و شرایط اجتماعی را مشخصی داده است. چارچوب MDG نشان می دهد که بدون کاهش قابل ملاحظه فقر، ایجاد امنیت غذایی، آموزش و پرورش، اعطای حقوق و اختیارات به زنان و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی در مناطق فقیرنشین و زاغه ها برای بسیاری از کشورها دستیابی به اهداف سلامت ناممکن خواهد بو.

در سازمان بهداشت جهانی کمیسویی برای بررسی این موضوع شکل گرفته است که وظیفه آن، بررسی شواهد علمی در زمینه مسایل اجتماعی مؤثر بر سلامت، تبدیل آن به عنوان سیاست سازمان جهانی بهداشت و کشورها و اعمال آن سیاست هاست. کمیسیون عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت به منظور رهبری این فرایند برگزیده شده است که برای دستیابی به اهداف خود، نیازمند تجارب گذشته است. عبارت خاص عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت در میانه دهه ۱۹۹۰ به طور فزاینده ایی مورد استفاده گسترده قرارگرفت. در حال حاضر کشورهای بسیاری مشغول به اجرای سیاستهای عوامل اجتماعی مؤثر در سلامت می باشند، اما نیاز فوری به گسترش این حرکت در میان کشورهای در حال توسعه که در آنها تاثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت مهمترین عامل آسیب رسان به سلامت و بهزیستی بشرمحسوبمی‌شود،می‌باشد.

طبقه بندی سیاستهای عوامل اجتماعی مؤثر برسلامت
_۱ تلاش برای کاهش لایه های اجتماعی؛ یعنی کاهش نابرابری در قدرت، وجه اجتماعی، درآمد و ثروت مرتبط با موقعیت هایاقتصادی-اجتماعیمختلف.

۲- تلاش برای اجتناب از عوامل آسیب رسان به سلامت که بر مردم در موقعیتهای آسیب پذیر وارد می آید.

۳- تلاش برای کاهش آسیب پذیری مردم محروم به شرایط آسیب رسان به سلامت که با آن روبرو هستند.

۴- از طریق مداخله در مراقبت بهداشتی برای کاهش پیامدهای نابرابر بیماری و جلوگیری از بدتر شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی اقشار محروم که بیمار می شوند.

بر همین اساس، نظام مراقبت های اولیه

بر اساس ۴رکن اساسی عدالت، همکاری بین بخشی، مشارکت مردمی و استفاده از تکنولوژی مناسب شکل گرفت.

شرایط ضعیف اجتماعی اقتصادی در طول زندگی بر سلامتی تاثیرگذار است . افرادی که در طبقات پایین اجتماعی قرار گرفته اند حداقل دو برابر افرادی که در طبقات بالاتر هستند دچار بیماری جدی و مرگ زودرس می شوند . حتی در میان طیف کارکنان اداری ، آن دسته که از طبقه پایین تری برخوردارند بیشتر از کارکنان طبقه



بالاتر از بیماری و مرگ زودرس در رنج می باشند . علل مادی و روانی اجتماعی از قبیل سرمایه کم خانواده، تحصیلات پایین، شغل نامطمئن، زندگی در خانه های نامناسب در ایجاد این تفاوت ها سهم دارند که در نهایت اثرات آن ها منجر به بروز بیماری ها و یا مرگ‌زودرسمی‌گردند.

از سویی دیگر یک شروع خوب در زندگی یعنی حمایت درست و متناسب مادر از کودک برای یک عمر باقی خواهد ماند . تحقیقات نشان می دهد که پایه سلامت دوران بزرگسالی ریشه در دوران کودکی و حتی قبل از تولد دارد . رشد نامطلوب جنین خطری برای سلامتی آتی فرد است .

لسترس استرس در هنگام کار خطر بیماری را افزایش می دهد . افرادی که کنترل بیشتری بر کارهایشان دارند از سلامت بهتری برخوردارند . روش های مدیریت و روابط

فقدان اطلاعات یا عدم دسترسی به آن:

نگاهی به وب پنهان

■ پیمان کریمی ■



ملکی گفته می شود .

بخش دیگری از وب به خاطر مسائل فنی موتورهای جستجو و ناکارآمدی ابزارهای جستجو، دور از دسترس کاربران می ماند. بسیاری از موتورهای جستجو قادر به بازیابی اطلاعات html هستند ولی توانایی بازیابی فایل های pdf به دلایل مالی و فنی نیستند به جز موتور جستجوی گوگل. به این بخش از وب، که دور از دسترس افراد هست وب واقعا پنهان گفته می شود.

پس بسیاری از اطلاعات مهم همچون صفحاتی

اجتماعی

اجتماعی حاکم در محیط کار بسیار مؤثر است . آمار نشان می دهد وقتی فرصت استفاده از مهارت برای کارگر و یا کارمند وجود نداشته باشد و از اختیارات کمتری در تصمیم گیری برخوردار باشد سلامتی اش مخدوش می شود . تا آن جا که افزایش خطر کمردرد ، درد در ناحیه پشت و بیماری های قلبی – عروقی ارتباط قوی با قدرت کنترل پایین در حیطه کاری دارد . دریافت پاداش های ناکافی در برابر تلاش های کاری نیز خطر بیماری های قلبی عروقی را افزایش می‌دهد



امنیت‌شغلی
امنیت شغلی باعث افزایش سلامتی ، رفاه و رضایت شغلی می شود . میزان بیکاری بالا موجب بیماری و مرگ زودرس می شود . این امر نه تنها برای افراد بیکار رخ می دهد بلکه برای خانواده های انسان نیز تاثیر سوء دارد . جالب است که بدانیم این اثرات ، پس از بیکاری قعقی عارض می شود بلکه صرفاً وقتی فرد شغلش را در معرض تهدید ببیند ، ما شاهد این اثرات خواهیم بود . افسردگی ناشی از ناامنی شغلی هم چنین باعث افزایش بیماری های قلبی عروقی و ابتلای به آن می شود .

حمایت‌اجتماعی
حمایت اجتماعی و روابط سالم نیز سهم چشمگیری در سلامت دارد . شکست اجتماعی ، اثراتی چون اعتیاد و وابستگی به مواد مخدر و الکل و تبعات آن هم چون تصادفات ، خشونت ، مسمومیت ، خودکشی و ... دارد .

تغذیه

رژیم غذای نامناسب بیماری های ناشی از سوء تغذیه را به همراه دارد و این بیماری های در بروز بیماری های قلبی – عروقی ، دیابت ، سرطان ، بیماری های چشمی ، چاقی و مراقبت های دندان نقش دارد . از سویی دیگر تغییر در سبک زندگی ، تحول در سیستم تغذیه ای را نیز به همراه داشته است که چاقی به عنوان بیماری شایع در اثر تحولات تغذیه ای مورد مشاهده در سطح جهانی است .

حمل‌ونقل‌وتراфик

از عوامل دیگر در ارتقای سلامت ، حمل و نقل و ترافیک است ماشینی شدن زندگی باعث کم تحرکی در امور شغلی گردیده و چاقی را افزایش اپیدمیک داده است . سیاست های حمل و نقل می توانند نقش کلیدی در مبارزه با سبک زندگی بی تحرک داشته باشد . گسترش فرهنگ پیاده روی و استفاده از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه سالم ، ورزشی است که علاوه بر آن که احساس سلامتی به فرد می دهد، موجب پیشگیری از افسردگی در سالمندان نیز می گردد . از سویی دیگر کاهش آلودگی های هوا را نیز در پی خواهد داشت و به لحاظ آینده اکولوژیک شهری نیز از اهمیت زیادی برخورداراست .

شاخص‌هایبهداشتی

برای دستیابی به عدالت در سلامت و افزایش بیشتر شاخص های سلامت باید رویکرد بیماری محور در سلامت ، به رویکرد سلامت نگر تغییر یابد تا سایر عوامل نیز مورد توجه واقع شوند . عوامل تعیین کننده غیر بهداشتی در سلامت همچون وراثت ، شیوه و سبک زندگی ، محیط زیست ، وضعیت اقتصادی – اجتماعی و میزان درآمد ، تحصیلات، شغل ، تغذیه و طبقه اجتماعی از عواملی است که در سلامت انسان و جمعیت نقش بسزایی دارد . شواهد نشان می دهد که هر چه فرد در وضعیت اقتصادی – اجتماعی پایین تری باشد وضعیت سلامت نامطلوب تری نیز خواهد داشت . آن چه در این میان برای ما اهمیت بیشتری خواهد داشت ، سلامت معنوی است که در نگاه جهانی مورد غفلت قرار گرفته است . آموزه ها و تعالیم دینی به ویژه دین مبین اسلام ، دستورات انبیای الهی بهترین و جامع ترین دستورات برای زندگی سالم فردی و اجتماعی است و آموزه های دینی هدایت گر افراد و جامعه به سوی کمال مادی و معنوی خواهد بود . لذا باید علاوه بر عوامل بیان شده ، توجه به فرهنگ معنوی و دینی را نیز مورد اهتمام قرار داد.

حاکی از این بود که ۴۳ الی ۹۶ هزار سایت وب عمیق وجود داشت که طبق برآوردها در آن سال وب پنهان ۷۵۰۰ ترابایت داده در خود جای داده بود که این حجم ۵۰۰ برابر وب آشکار بود. طبق یک تحقیق دیگر موتور جستجوی گوگل ۳۲ درصد و MSN ۱۱درصد از کل وب را نمایه و در اختیار کاربران قرار می دهند و دیگر موتورهای جستجو همراه با گوگل تنها ۳۷ درصد (به خاطر همپوشانی موتورهای جستجو با همدیگر) وب را در اختیار کاربران قرار می دهند و ۸۳ درصد دیگر در وب پنهان قرار دارد. شاید بتوان گفت با توجه به آمارها ۸۰ تا ۹۰ درصد از اطلاعات موجود در اینترنت در دسترس عموم افراد نیست و در وب پنهان قرار دارد. برگرم در تحقیقی در سال ۲۰۰۳ به این نتیجه رسید که ۸۵ بلیون سند در اینترنت وجود دارد که این حجم برابر۷۴۸۵۰۴گیگابایت‌بود. بهرحال باتوجه به اینکه در این زمینه تحقیقات خاصی صورت نگرفته است و بیشتر تحقیقات به ۱۰ الی ۱۲ سال پیش بر می گردد نمی توان به طور دقیق در این زمینه اعلام نظر کرد اما می توان گفت که با حجم روزافزون ورودی اطلاعات در اینترنت این آمار بسیار بیشتر از آمار گنشت‌هست

اما راههایی هستند که با استفاده از آنها می توان تا حد زیادی اطلاعات موجود در وب پنهان را بدست آورد، همچون استفاده از دروازه های اطلاعاتی که مجموعه ای از پایگاه ها و سایت هایی را که متخصصان اطلاعاتی و مبدولا کتابدارن گردآوری، بررسی و بر اساس موضوع مرتب کرده اند در اختیار کاربران قرار می دهند. مثل این دروازه‌هایاطلاعاتی:
Digital Academic information.۱
Search Gaaryprice direct.۳
librarian Internet Public Library.۵
Infomine.۴
توصیه می شود کسانی که به دنبال اطلاعات در وب پنهان هستند حتما در موتور جستجو عبارت « پایگاه داده» یا «Database» را نوشته تا موتورهای جستجو بتوانند آنها را به این سایت ها راهنمایی کنند و یا از ابرموتورهای جستجوی زیر نیز استفاده بکنند.

«کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی
محل این دروازه‌هایاطلاعاتی:
Digital Academic information.۱
Search Gaaryprice direct.۳
librarian Internet Public Library.۵
Infomine.۴
توصیه می شود کسانی که به دنبال اطلاعات در وب پنهان هستند حتما در موتور جستجو عبارت « پایگاه داده» یا «Database» را نوشته تا موتورهای جستجو بتوانند آنها را به این سایت ها راهنمایی کنند و یا از ابرموتورهای جستجوی زیر نیز استفاده بکنند.

«کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی
محل این دروازه‌هایاطلاعاتی:
Digital Academic information.۱
Search Gaaryprice direct.۳
librarian Internet Public Library.۵
Infomine.۴
توصیه می شود کسانی که به دنبال اطلاعات در وب پنهان هستند حتما در موتور جستجو عبارت « پایگاه داده» یا «Database» را نوشته تا موتورهای جستجو بتوانند آنها را به این سایت ها راهنمایی کنند و یا از ابرموتورهای جستجوی زیر نیز استفاده بکنند.

جامعه

مدارای اجتماعی

■ جمال ادهمی ■

فصل tolerante در زبان لاتین tolerare و در زبان یونانی theirai در وهله نخست به معنای تاب آوردن درد یا سختی است و در وهله بعد به معنای سیاست صبورانه حکومت در جائز شمردن آن‌دسته‌از اعتقادات است که به طور رسمی جزو اعتقادات نظام حاکم نیست، مسمد Tollo (به معنای تحمل کردن و تاب آوردن) مبین کاری است که انسان روی خود انجام می‌دهد.اصطلاح پزشکی این مفهوم نیز همین معنا را می دهد: تحمل بدنی یک موجود زنده به معنای قدرت تحمل اثر یک دارو، یک ماده شیمیایی یا فیزیکی معین، بدون آسیب دیدن از آن است. در فرهنگ آکسفورد مدارا انجام عمل بردبارانه در برابر عقاید، افکار و رسوم متفاوت با خود از نظر مذهبی، نژادی و... است. در فرهنگ هرتیج در معنای این مفهوم آمده است: ظرفیت داشتن یا مجاز شمردن یا احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران، ظرفیت تحمل داشتن، خصوصا توانایی تحمل درد و رنج و مشقت، شناسایی رسمی حقوق افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف، خصوصا در مذهب، اجازه دادن بدون تحریم یا مخالفت، اجازه دادن به شناسایی و احترام نسبت به حقوق ، عقاید یا اعمال دیگران چه موافق آنها باشیم یا نباشیم.

در فرهنگ نامه‌های فارسی معانی مختلفی برای مفهوم تولراس آمده است. تساهل، تسامح، روادری، بردباری، تحمل و مدارا از جمله این معانی می باشد در مواردی نیز تمایزاتی بین هر یک از این مفاهیم قایل شده اند با این حال به نظر می رسد بین ریشه لغوی این اصطلاح در فارسی با معادل لاتین آن یعنی «تولراس» تفاوت هایی وجود دارد.

«گیوس و امبروسویج» در ارتباط با نقش عنصر اخلاقی معتقدند که «تولراس صرفاً یک وظیفه اخلاقی نیست بلکه وظیفه سیاسی و قانونی نیز می باشد. مدارا فضیلتی است که صلح را ممکن می سازد و به جایگزینی فرهنگ جنگ و خشونت به وسیله فرهنگ صلح کمک می‌کند».

به این ترتیب مدارا شیوه معمول هم‌زیستی متمدنانه افراد در دنیای معاصر است. افرادی که دارای آراء، عقاید، باورها و نقطه نظرات خاص خودشان هستند. در واقع این مفهوم برای آنکه به زندگی اجتماعی با وجود گوناگونی هایش وجودی هماهنگ، ثابت، معتبر و مداوم ببخشد شکل گرفت. اجتماعات بزرگ مثل دولتها که دنیای معاصر را می سازند به واسطه ویژگی های قومی، ملی، مذهبی و دیگر خصوصیاتشان دارای نظام های بسیار متنوع هستند. مدارا پذیرش و احترام به این تنوعات است. «در بیانیه اصول مدارا نیز که در طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولتها قرار گرفت پذیرش و احترام به این تنوعات به عنوان اصل پذیرفته شده است. در این بیانیه مدارا به عنوان احترام، پذیرش، ارج نهادن فرهنگهای متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن در نظر گرفته شده است». این بیانیه مدارا را در سه سطح افراد، گروهها و دولت در نظر می‌گیرد و بیان می‌دارد که وظیفه اخلاقی و نیاز قانونی افراد، گروه و دولت این است که مدارا را تحقق بخشند. با این حال گیوس و امبروسویج بیان این نیاز را-برای نپایندگی کردن آن به تنهایی کافی نمی‌دانند آنها استفاده از آموزش و تربیت را پیشنهاد می کنند. گیوس و امبروسویج با بررسی مفهوم مدارا و بزرگی های زیر را برای آن مشخص می کنند:

- مدارا به عنوان احترام و پذیرش تنوعات فرهنگیای دنیای اطرافمان و شیوه های متفاوت انسان بودن تعریف شده است.

- ماهیت مدارا در این است که مردم حق دارند براساس باورهایشان رفتار کنند. حتی زمانی که دیگری وجود دارند که با آنچه که آنها فکر می کنند مخالف اند.

- تولراس به معنای سازش، بخشش یا تشویق رفتار منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

- «مدارا جو بودن» به این معناست که افراد را مجبور به تغییر عقایدشان نکنیم و به این معناست که به عقاید و عادات مخالف احترام بگذاریم و از هر گونه تعصب خودداری ورزیم.

- مدارا به عنوان مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر

منفی نیست. در اصل مدارا یک نگرش فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های همگانی بشری است.

روزنه

جنبش عدم تعهد: کنشگر هنجاری یا بازیگر استراتژیک؟

« دکتر فخرت احمدیان »

«برگزاری نشست سران جنبش عدم تعهد در تهران ظرفیت مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد تا در طرح ارزش ها و هنجارهای مورد نظر خود از آن بهره گیرد».

برگزاری شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران، در روزهای اخیر مجالس فراهم آورده است تا بار دیگر در قالب پاره ای پرسش های اساسی ماهیت، کارکرد و نقش این جنبش محل درنگ و تأمل قرار گیرد. یکی از پرسش های اساسی که همواره از ابتدای پیدایش جنبش عدم تعهد مطرح بوده است پرسش از نقش و کارکرد آن در چهارچوب نظام بین الملل و مناسبات جهانی قدرت می باشد. از آنجایی که پیدایش و توسعه سازمانی و فعالیت این جنبش عمدتاً متأثر از بافت جنگ سرد صورت پذیرفته است و اساساً دلالت و معنای عدم تعهد در چنان فضای تبلور می یافت، در شرایط کنونی روابط بین الملل و در دنیای پس از جنگ سرد پرسش از نقش و کارکرد جنبش عدم تعهد حتی از ضرورت و اهمیتی دو چندان برخوردار شده است. البته پرسش از نقش و کارکرد جنبش عدم تعهد به نوبه خود در بردارنده ی پرسش از انتظاراتی است که می توان از این جنبش داشت. آیا می توان از جنبش عدم تعهد توقع داشت که شیوه ی توزیع قدرت در مجامع بین الملل یا به اصطلاح ساختار نظام بین الملل را دگرگون سازد یا آنکه این جنبش را باید تنها بستری دانست برای ترویج و اشاعه ی پاره ای اصول، ارزش و هنجارهای کلی مشترک مورد ستایش شمار قابل توجهی از دولت ها؟

به سخن دیگر، آیا جنبش عدم تعهد یک بازیگر استراتژیک است که می توان تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی قدرت را از آن انتظار داشت یا آن که این جنبش را غالباً می باید کنشگری هنجاری انگاشت که جز ترویج و ستایش منظومه ای از ارزش ها و هنجارهای اخلاقی انتظار دیگری از آن روا نیست؟ واقعیت آن است که با توجه به درهم تنیدگی ملاحظات هنجاری و اخلاقی در معادلات قدرت شاید نتوان پاسخی قاطع به این پرسش داد، اما بررسی روند تحول و بس تاریخی جنبش عدم تعهد به روشنی بیانگر آن است که با وجود نقش آفرینی اش در مناسبات قدرت بین المللی در پاره ای مقاطع از تاریخ روابط بین الملل – به ویژه در دوره جنگ سرد- اساساً وجه غالب سیمای جنبش عدم تعهد در مجامع بین المللی وجه هنجاری و نمادین بوده است. عدم تعهد معنی که اصولاً نمی توان جنبش عدم تعهد را بازیگری استراتژیک و نیروی تعیین کننده در جهت چهرچوب معادلات قدرت به شمار آورد؛ چرا که این جنبش در مقابل یک کلیت و مجموعه به هم پیوسته از منابع اصلی قدرت مانند ظرفیت اقتصادی – صنعتی، توان نظامی و مدیریت و هدایتگری سیاسی ندارد. با این وصف جنبش عدم تعهد را به درستی می توان کنشگری هنجاری و بهیچر ای نمادین به شمار آورد که به واسطه ی آن پاره ای بازیگران دولتی ارج و اعتبار ارزش هایی نظیر استقلال، حاکمیت همزیستی مسالمت آمیز، عدم مداخله در امور داخلی دیگران و … را یجادآوری می کنند؛ ارزش هایی که خود در معرض بازنگری و بازاندیشی قرار دارند. در همین راستا باید اشاره کرد که برگزاری نشست سران جنبش عدم تعهد در تهران ظرفیت مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد تا در طرح ارزش ها و هنجارهای مورد نظر خود از آن بهره گیرد. اگر چه صرف تشکیل چنین نشستی می تواند یک ابزار استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد تا از قبل آن بتواند با برخی تلاش های بین المللی برای انزوا ی ایران مقابله کند، اما به نظر می رسد اهمیت بیشتر چنین نشستی نه در این بعد (که امری گذراست) بلکه در بعد هنجاری و نمادین باشد. رهبری نظام و دستگاه دیپلماسی کشور در چنین نشستی به بسط ارزش های بنیادین مدنظر ملت ایران همت گمارده و از این کشور در نظر بین الملل چهره یک کشور مترقی نظم پذیر، مدافع ارزش های انسانی به نمایش بگذارد.

دولتها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپولتیکی و نیز تحت تأثیر ساختار نظام بین المللی جهت گیریها و استراتژیهای خاصی را به منظور تأمین هدف ها و منافع ملی خویش بر میگزینند. کشور ایالات متحده بعنوان یک ابر قدرت، بعد از جنگ جهانی دوم و خروج از سیاست انزواطلبی در صحنهی روابط بین المللی تا به امروز همواره استراتژیهای خاصی را در جهت منافع کوتاه مدت و دراز مدت خود دنبال نموده است تا با افزایش قدرت ملی خود، جایگاه بهتری در سلسله مراتب قدرت جهانی کسب کند.

بعداز فروپاشی شوروی سابق و ایجاد نظام تک قطبی، حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و بعد از آن در سال ۲۰۰۳ سرنگونی صدام حسین در خاورمیله یکی از این استراتژیها در جهت منافع ملی آن کشور است، به گونه‌ای که به باور بسیاری از پژوهشگران هدف اصلی آمریکا در حمله به عراق، کنترل انرژی خاورمیانه است، زیرا کنترل انرژی خاورمیانه، قدرت ایالات متحده را در محیط بینالمللی افزایش خواهد داد. خاورمیانه به تنهایی ۶۱۷ درصد از ذخایر کشف شده ی نفت جهان را در خود جای داده است و این در حالی است که با توجه به انکای شدید دنیای جدید به مصرف نفت، همواره نگرانیهایی در مورد تمام شدن ذخایر نفت، به‌ویژه در کشورهای صنعتی وجودداشته است. این نگرانی ها بیشتر در مورد حوزه های نفتی غیر خاورمیلهای است.

از سوی دیگر، کشورهای چون چین، ژاپن، اتحادیهی اروپا و هند از وارد کنندگان اصلی نفت خاورمیله هستند. تا سال ۲۰۲۵ این کشورها در حال توسعه نیمی از مصرف جهانی انرژی را به خود اختصاص خواهند داد. کنترل نفت خاورمیانه در چهارچوب هژمونی ایالات متحده می تواند سود اقتصاد کشورهای از آنر حوزه نفت در ذیل هژمونی ایالات متحده قرار گیرد. این مسئله بر چگونگی روابط ایالات متحده و رقبا ی اقتصادی آن اثر خواهد گذاشت. هر چند این کشورها با ایالات متحده روابط اقتصادی گسترده دارند به گونه‌ای که اقتصاد آنها به هم وابسته است ـنمیتوان منکر رقابت آنها گردید.

نفت و جایگاه آن در نظریهی ثبات هژمونیک ایالات متحده
بر اساس نظریهی ثبات هژمونی، اینگونه استدلال می شود که وجود یک قدرت مسلط و غالب در سطح جهانی برای اقتصاد آزاد و ثبات بینالمللی لازم است. برتری و استیلای این قدرت غالب باید به گونه‌ای باشد که بتواند یک رهبری باثمنارع را در تمام جهان اعمال کند و نظام جهانی متحدی ایجاد نماید. در نظریهی ثبات هژمونیک دو عنصر اساسی وجود دارد: اولاً نظم در سیاست جهانی به وسیله یک قدرت مسلط اعمال می شود واین قدرت مسلط، نظم مزبور را از طریق ایجاد و هدایت رژیمهای بین المللی شکل میدهد. ثانیاً برای حفظ این نظم تداوم هژمونی ضروری است. چهار مجموعه از منابع برای برتری و استیلای هژمونی ضروری است: ۱- بر مواد خام جهان کنترل داشته باشد.۲- بر منابع سرمایه‌های جهان کنترل داشته باشد. ۳- بر بازارهای جهانی کنترل داشته باشد. ۴- در تولید کالاها یا ارزش افزوده‌ی بالا دارای مزیت نسبی باشد.کنترل بر منابع به عنوان اولین شرط ایجاد هژمونی، هم از نظر تأثیر مستقیم بر اقتصاد هژمون و رونق اقتصاد جهانی و هم از حیث توسعه‌ی نفوذ غیر رسمی هژمون بر رقبا اهمیت فراوان دارد. در این رابطه به ویژه نقش نفت در تداوم هژمونی مطرح می شود.

فکر تحقق رهبری جهانی از طریق ایالات متحده، از بدو تاسیس این دولت ـ ملت در ذهن دولتمردان این کشور وجود داشته است. این ایده‌ی رهبری طلبی در کشور آمریکا را میتوان به سه دوره تقسیم کرد: مرحلهی اول درکترین نمونه‌به سال ۱۸۲۳ که منتهی به یک توسعه طلبی قاره‌ای در قرن نوزدهم شد. مرحله ی دوم رهبری طلبی از انتهای قرن نوزدهم آغاز گردید، زمانی که توسعه قاره ای آمریکا تکمیل شد.آمریکا به بزرگترین قدرت صنعتی جهان تبدیل شد و در پایان قرن نوزدهم ایالات متحده دارای بزرگترین قدرت صنعتی جهان بود. مرحلهی سوم از آغاز قرن بیستم و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد.

از دیدگاه رابرت کوئن هژمونی ایالات متحده مبتنی بر سه عنصر اساسی است: دسترسی به نفت فراوان با قیمت منطقی، یک نظام مالی مداخله طلب با ثبات و بازار آزاد برای تجارت گستردهی کالا. بعد از

جنگ جهانی دوم کنترل ایالات متحده بر مواد خام یکی از ارکان اصلی هژمونی این کشور بوده است. برای اینکه استراتژی سلطه آمریکا بر جهان پس از جنگ جهانی دوم عینیت یابد، استراتژیستها و مشاوران ژوئلتز در طول سالهای ۱۹۴۵ به دقت «حاجیه بزرگ» یعنی مناطق که کنترل آن از لحاظ استراتژیکی برای کنترل جهان ضروری بود، معین و مشخص کردند. در چهار چوب مفهوم ناحیه بزرگ و ضرورت حمایت بی شاعه ی او از مخالفان مسلح، این مساله خیلی عجیب و دور از انتظار به نظر نمی رسد.

در روز ۱۲ آگوست، پیکارجویان حزب کارگران کردستان (پ ک ک) حسین آیگون یکی از چهره های شاخص اپوزیسیون و نماینده ی مجلس را در حالی که عازم استان کردنشین تونجلی بود، ربودند. او چهل و هشت ساعت بعد آزاد شد اما پیکارجویان به خواسته‌ی شان که همان

فراوان بودند؛ یکی جنوب شرقی آسیا و دیگری خاورمیانه. اهمیت هر دو منطقه هم به دلیل داشتن منابع خام غنی ای بود که بر اساس نظریهی ثبات هژمونیک برای تحقق رهبری آمریکا جزو شرایط اولیه محسوب می شد.

در واقع نفت خام در طول دوران جنگ سرد همواره به عنوان یکی از ارکان سازندهی هژمونی ایالات متحده با امنیت ملی این کشور در پیوند بوده است. بعد از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور کشورهای صنعتی که مصرف انرژی آنها برای صنایع در حال افزایش

است و نفت مورد نیاز خود را از منطقه‌ی خاورمیانه وارد میکنند، اهمیت نفت خاورمیله را در استراتژی امنیت ملی آمریکا که به دنبال برتری مطلق، امنیت و آسیب ناپذیری مطلق برای ایالات متحده است، مضاعف نموده است. نفت به عنوان رکن سازندهی هژمونی آمریکا هم به منزله‌ی یک نقطه‌ی بالقوه آسیبپذیر که می تواند امنیت مطلق و آسیب ناپذیری مطلق این کشور را خدشه‌دار کند و هم به مثابه‌ی اهرم کنترل ایالات متحده بر سایر قدرتهای بزرگ در چهارچوب استراتژی برتری، بیش از هر زمان دیگری به کانون استراتژی امنیت ملی ایالات متحده تبدیل شده و با مسئولی ثبات هژمونیک و رهبری جهانی این کشور پیوند خورده است. باروی کار آمدن نو محافظه‌کاران در حال حاضر، نقش نفت به عنوان یکی از ارکان مادی هژمونی این کشور تقویت شده است.

نفت و اهمیت صنعتی آن

اسرزه‌ و تهاجمی در گاز طبیعی در مجموع بیش از ۶۵ در صد از نیازهای انرژی کشورهای صنعتی جهان را بر آورده میکند. در جهان امروز نفت نه تنها به عنوان یک عامل تعیین کننده اقتصادی و صنعتی، بلکه به عنوان یک عامل سیاسی و امنیتی مطرح میباشد در واقع نفت یک



فاکتور اساسی در جهت رسیدن به هدفهای اقتصادی، صنعتی، سیاسی و در جهت تأمین امنیت ملی نیز به حساب می آید.هدف مهمی جوامع بشری و به ویژه هدف مهمی دولتها، دست یافتن به میزانی از رشد اقتصادی بوده و رشد اقتصادی مورد نظر نیز مستلزم برخورداری و بهره‌وری از دو عامل سرمایه و انرژی است. به بیانی دیگر، رفاه مستلزم رشد اقتصادی و رشد اقتصادی نیز مستلزم برخورداری از انرژی است. در قرن بیست و یکم قدرت اقتصادی در بالاترین سطح به عنوان یک ابزار سیاسی در دست دولتها خواهد بود، یکی از پایههای قدرت اقتصادی با توجه به نیازهای دنیای صنعتی، مسائلی انرژی و به ویژه دسترسی به منابع نفت میباشد. در حالیکه جغرافیای جهانی نفت با نفاض مازاد و کمبود معرفی میشود، هر چند که در مناطق مختلف جهان نفت استخراج میشود، علاوه بر خاورمیله برخی کشورهای اروپایی مانند روسیه، نروژ، بریتانیا و نیز برخی کشورهای آفریقایی و آمریکا مانند ونزوئلا، ایالات متحدهی آمریکا دارای نفت هستند اما بنابر آخرین آمار موجود، با روند فعلی تولید فقط کشورهای حوزهی خلیج فارس و برخی کشورهای دیگر مانند روسیه هستند که ذخایر عظیم نفت و گاز دارند که بدین زودی به اتمام نخواهند رسید. دو سوم کل ذخایر نفت جهان و بیش از یک سوم گاز جهان در منطقهی خاورمیانه قراردارد. با توجه به اهمیت منابع انرژی خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس است که به علت در اختیار داشتن افزون بر ۶۰ درصد

سیاسی

اهمیت انرژی خاورمیانه در استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱

■ سلیمان فیضی* ■

منابع مولد انرژی، برخی برآنند که در حال حاضر نه تنها هارلندتد به دنیای ژئوپولیتیک بار گشته، بلکه از محل قدیمی آن به سمت جنوب حرکت کرده است و میان دو دریای مازندران و خلیج فارس، جایی که جفری کمپ ژئوپلیتیسین آمریکایی آنرا بیضی استراتژیک انرژی نام نهاده، قرار گرفته است.جدول (۱) ذخایر نفتی مناطق مختلف جهان را در پایان سال ۲۰۰۳ نشان میدهد.

جدول (۱) ذخایر نفتی مناطق مختلف جهان را در پایان سال ۲۰۰۳ نام منطقه حجم ذخایر (میلیارد بشکه) درصد ذخایر

رتبه	۲۲۶/۶	۶۳/۳	اول	۱	آمریکا	۲۰/۷۱
خاورمیله	۱۰۵/۹	۹/۲	دوم	۲	چین	۵/۹۸۲
روپا و اوراسیا	۱۰۲/۹	۸/۹	سوم	۳	ژاپن	۵/۴۵۱
جنوبی	۱۰۱/۸	۵/۹	چهارم	۴	آلمان	۲/۶۶۴
آفریقا	۶۲/۶	۸/۵	پنجم	۵	روسیه	۲/۵۰۳
آمریکای شمالی	۴۷/۷	۴/۲	ششم	۶	هند	۲/۴۲۶
آسیا واقیانوسیه				۷	کره جنوبی	۲/۳۰۳
Source: BP Statistical Review of world Energy ۲۰۰۴				۲۰۰۴		

طبق گزارش مؤسسه‌ی اسپیو دربارهی اوج تولید نفت که تابعی از روند تمام شدن ذخایر نفت در آینده است، به غیر از خاورمیانه سایر مناطق نیز خیز جهان به نقطه‌ی اوج تولید رسیده‌اند و خاورمیانه تنها منطقه‌ای است که هنوز بخش قابل توجهی از ذخایر نفتیاش را مصرف نکرده است. ۱۳ ایالات متحده به عنوان یک ابر قدرت به تنهایی بیش از یک چهارم (۳۳٪)نفت تولیدی جهان را مصرف میکند. ۱۴ جدول شماره (۲) بیانگر این مساله است و بر اهمیت نفت، نفتی خاورمیانه میافزاید.



جدول (۲) مقدار مصرف و تولید نفت در آمریکا بین سالهای ۲۰۲۰ – ۱۹۹۵ (میلیون بشکه در روز)
سال ۲۰۰۵ ۲۰۰۰ ۲۰۱۵ ۲۰۲۰
مصرف ۲۲/۷ ۱۷ ۱۹/۶ ۲۲/۷
تولید ۸/۹ ۸/۷ ۹/۳ ۹/۱

در حال حاضر کشورهای صنعتی دو سوم انرژی جهان را مصرف میکنند و تقاضای برای نفت در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است. تا سال ۲۰۲۵ کشورهای در حال توسعه، نیمی از مصرف جهانی انرژی را به خود اختصاص خواهند داد. هرگاه تقاضای آنها را به کشورهای صنعتی بیفزاییم، افزایش خالص تقاضای جهان طی این سال ۵۴ درصد خواهد بود. مصرف نفت در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۵۲ به میزان ۹۶ درصد افزایش خواهد یافت.

در چین و هند میزان افزایش مصرف از این هم بیشتر است. مصرف نفت طی این مدت ۱۵۶ درصد و مصرف نفت هند ۱۵۲ درصد افزایش مییابد. بدین ترتیب کشورهای در حال توسعه، در مصرف انرژی با کشورهای صنعتی رقابت خواهند کرد.۱۵ جدول شماره (۲) بزرگترین نفت جهان است. ۶۱۷ میلیون بشکه در روز و تا سال ۲۰۲۵ به ۱۳/۴



سال اول - شماره ۸

میلیون بشکه در روز.میرسد۱۸ طبق گزارش چشم انداز بینالمللی انرژی در سال ۱۹۹۵ تا ۰۱/۴ میلیون بشکه نفت در روز از خاورمیانه وارد کرده است که در سال ۲۰۲۰ به ۴/۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در واقع این آمارها حاکی از آن است که با آغاز هزاري سوم، خاورمیانه به حوزه‌ی اصلی چین برای تأمین نفت تبدیل شده است.

کشور ژاپن پنجاه سال پس از رشد و توسعهی مداوم به صورت دومین قدرت اقتصادی جهان درآمده است و برای خود جایگاه نیرومند در جهان میبطلد. این کشور دومین قدرتی اقتصادی دنیا پس از آمریکا است اما از لحاظ نظام زیر زمینی کشور فقیری است و تولید نفت داخلی ندارد. این مساله یکی از نقاط آسیب پذیری آن است که ایالات متحده میبایند در صورت چالش آفرینی ژاپن نسبت به هژمونی خود از آن استفاده کند. ژاپن وابسته‌ترین کشور صنعتی جهان به نفت خاورمیانه است چرا که حدود ۷۵ درصد واردات نفت خود را از خاورمیانه تأمین میکند. در سال ۲۰۰۳، روزانه حدود ۴/۲میلیون بشکه نفت از خلیج فارس وارد میکرد که از این مقدار ۳۰ درصد توسط عربستان، ۲۹ درصد امارات، ۱۷ درصد کویت، ۱۲ درصد ایران، ۱۱ درصد قطر و یک درصد آن توسط بحرین و عراق تأمین میشد. ۲۱. اتحادیه اروپا متشکل از بیست و پنج کشور است و در حال حاضر بزرگترین وارد کننده انرژی جهان محسوب میشود. از میان کشورهای اروپایی، نروژ دارای ذخیره‌ی اثبات شدهی ۹/۷ میلیارد بشکه و تولید روزانه ۳/۱۸۸ میلیون بشکه و بریتانیا دارای ذخیره‌ی اثبات شدهی ۴/۱۵ میلیارد بشکه و تولید روزانه ۲/۰۲۹ میلیون بشکه و مصرف ۱/۷۵۶ میلیون بشکه در روز است. سایر کشورهای اروپایی وارد کننده نفت هستند. میزان واردات کشورهای اروپایی در حال حاضر حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز است. ۲۲

وابستگی اروپایی ها به واردات نفت تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. از آنجا که در کوتاه مدت هیچ رقیبی به اندازه‌ی اتحادیه اروپا- که با ماهدهی «ماستریخت» در دسامبر ۱۹۹۱ وارد مرحله‌ی جدید از وحدت و انسجام شد- برای آمریکا خطرناک نبوده؛ زیرا در حال حاضر رقابت بر پایهی تکنولوژی و توان مدیریت بحران اقتصادی میچرخد و به همین دلیل رقبای دیگر هیچکدام در حد اتحادیه‌ی اروپا نیستند. آنچه به آمریکا کمک میبخشد تا نقش اقتصادی رقبای خود را در دست داشته باشد، مهار و کنترل منابع انرژی است. ۲۳

هند هم با توجه به گسترهی جغرافیایی و جمعیت انبوهش، ششمین بازار بزرگ مصرف انرژی جهان به شمار می‌رود. در سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ به گونه‌ای میانگین سالانه در حدود ۶/۵ درصد رشد اقتصادی داشته است و پیشبینی میشود تا سال ۲۰۱۰ این روند کمابیش ادامه یابد و حداقل در سطح ۵/۴ درصد باقی بماند. هند دارای ذخیره‌ی اثبات شده‌ی ۵/۴ میلیارد بشکه و تولید روزانه ۸/۱۹ هزار بشکه است. این بدان معناست که هند به یک وارد کننده‌ی نفت تبدیل میشود؛ زیرا تداوم رشد آن کشور وابسته به واردات نفت است. به علل جغرافیایی کشورهای آسیایی و به تبع آن هند نمیتوانند برای تأمین نفت مورد نیاز خود به بازار خاورمیانه فکر کنند و سایر منابع، برای این کشور صرفه‌ی اقتصادی نخواهند داشت.

در نهایت در چهارچوب استراتژی برتری هژمونیک ایالات متحده، ادامه‌ی شکوفایی اقتصادی چین، ژاپن، اتحادیه‌ی اروپا و هند باید به گونه‌ای باشد که به ثبات اقتصادی جهانی و ادامه‌ی هژمونی آمریکا باری رساند. ایالات متحده با توجه به برتری اقتصادی و نظامی که دارد و از طریق کنترل منابع خاورمیانه سعی میکند این اقتصادها را در حال رشد، را تحت کنترل خود نگه دارد و چون منابع نفتی قابل توجهی ندارد و در سالهای آینده منابع اندکی هم که دارند، رو به افول خواهد گذاشت، اهمیت منابع نفتی خاورمیانه را برای رشد اقتصادی این رقبا مضاعف خواهد نمود. این وابستگی هم میتواند عامل رشد اقتصادی باشد و هم عامل آسیب پذیری آنها و ایالات متحده به چهارچوب نظریه‌ی ثبات هژمونیک، با کنترل نفت خاورمیانه از طریق نظامی استفاده خواهد کرد.

با این اوصاف می توان نتیجه گرفت:

۱- رابطه میان نفت خاورمیانه و استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در قرن بیست و یکم پدیده‌ی جدیدی نیست، بلکه بر اساس شواهد و مدارک، فرآیندی تاریخی است که به بعد از جنگ جهانی دوم بر میگردد و تلاش برای هژمون شدن سابقه‌ای بیش از پنجاه سال دارد. ۲- ایالات متحده به وسیله‌ی کنترل نفت خاورمیانه، سعی خواهد کرد هژمونی و برتری خود را بر قدرتهای رقیب -اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن، چین و هند- که رشد اقتصادی شتابانی را طی میکنند، حفظ کند و این رقبا را در موقعیتی آسیب پذیر نسبت به خود قرار دهد و رشد اقتصادی آنها را در ذیل هژمونی خود قرار دهد.

۳- جایگاه خاورمیانه و نفت آن، با هر قدرت رسیدن محافظه کاران و افزایش تقاضای جهانی آن تقویت شده است.

۴- حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه با نفت آن، ارتباط تنگاتنگی دارد و گسترش دموکراسی و مبارزه با تروریسم در خاورمیانه نمیتواند عامل تعیین کننده در امنیت ملی ایالات متحده باشد بلکه هدف، نفت آن و کنترل رقبا است.

* کارشناس ارشد علوم سیاسی

که ترکیه برای خروج و صادرات نفت اقلیم به دنیا نقشی حیاتی دارد. ماه گذشته، تانکر های ترکی کار حمل نفت از کردستان عراق را شروع کردند که این مساله با واکنش تندى از جانب نوری المالکی نخست وزیر شیعه ی عراق مواجه شد، مالکی ترکیه را به حمایت از جدایی طلبی کرده‌لته‌همی‌کند

جالب این جاست که کردهای عراق به خاطر ایجاد اقلیم خودمختار کردستان که تهدیدی علیه یکپارچگی ترکیه محسوب می شد، تا همین چند وقت پیش، مورد غضب سردم داران ترک بودند. اما گویا دو طرف در نتیجه ی روابط اقتصادی و تجاری سودآور، خاطرات تلخ گذشته را به دست فراموشی سپرده اند. حتی گفته می شود که اردوغان به باززانی تعهد داده است که در قبال تهدیدهای بغداد از او حمایت و پشتیبانی خواهد کرد.

چنانچه ترکیه تنها بخشی از آن حقوقی که کردهای عراق از آن برخوردارند را به جمعیت ۱۴ میلیونی کردهای خود بدهد، بی شک روبرود جنگ مسلحانه به سبک پ ک ک جذابیت و مشروعیت خود را از دست می دهد. البته مشکل این جاست که در نتیجه ی تحولات و خیزش های جهان عرب، کردهای که در کشور عراق، ترکیه و سوریه به سر می برند، بیش از پیش رویای ایجاد یک دولت واحد برای خود را در سر می‌پرورند.

کردهای ترکیه؛ در باب اوج گیری خشونت ها

/ ترجمه: هادی آذری

اهل سوریه تشکیلی می دهند که گفته می شود فرمانده ی جنگ طلب شان مغز متفکر و گرداننده ی حملات اخیر بوده است.

خود از پ ک ک را از سر گرفته است. اما منتقدان آقای اردوغان بر این باورند این خود اوست که باید سرزنش شود و مسئولیت این قضا یا را متوجه شخص آقای نخست وزیر می داند که حمایت سرسختانه اش از مخالفان رژیم سوریه، آتش اختلاف و دشمنی میان سوریه و ترکیه را شعله ور ساخت. ماه گذشته، بشار اسد با خارج کردن نیروهای خود از مناطق و شهرهای کردنشین عملاً کنترل و اداره ی این شهرها را به کردها سپرد؛ مساله ای که باعث شد ترکیه نیروهای نظامی بیشتری را به مرز خود با سوریه اعزام کند. اتحادیه ی همبستگی دموکراتیک و رقبایش را بر پرز سرورای ملی کردستان، گرد هم آورده و متحد سازد، هرچند این توافق براساس تقسیم قدرت صورت گرفت اما این اتحادیه ی همبستگی دموکراتیک است که حرف اول و آخر را می زند. از سوی دیگر، باززانی نمی خواهد متحد جدید خود در منطقه یعنی ترکیه را از دست بدهد زیرا

خبر

افتتاح نخستین سینمای چهار بعدی غرب کشور در بوکان

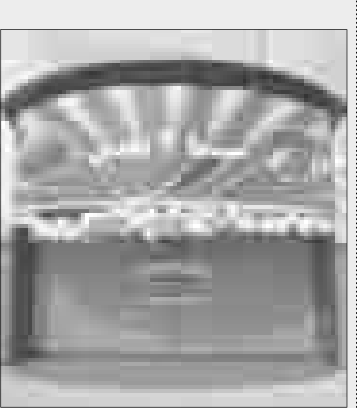
چرو : نایب رئیس شورای اسلامی شهر بوکان از افتتاح نخستین سینمای چهار بعدی غرب کشور با تکنولوژی روز در پارک ساحلی این شهرستان خبرداد.

مهدی رادمنش در گفت و گو با خبرنگار کردپرس در بوکان، گفت: برای احداث این سینما بالغ بر یک میلیارد ریال با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هزینه شده است.

وی افزود: سینمای چهار بعدی بوکان با مساحت ۱۰۰متر مربع برای ۲۴ نفر ظرفیت دارد.

وی ابراز داشت: هر چه بخش خصوصی در ایجاد این گونه مکان‌ها همکاری کنند به همان میزان در آمد شهرستان افزایش می‌یابد.

وی در ادامه هدف از افتتاح این سینما را ارتقای سطح زندگی شهروندان و آشنایی آنها با رسانه های نو عنوان کرد و گفت: مشاهده فیلم در این سینما با عینک مخصوص خواهد بود.



سومین نمایشگاه سالانه هنر معاصر در سندج برپا شد

چرو – نمایشگاهی از آثار هنرمندان برجسته کشور و هنرمندان جوان با محوریت هنر معاصر در سندج برگزار شد.

دبیر سومین نمایشگاه هنر معاصر سندج در گفتگو با خبرنگار کردپرس اظهار داشت: این نمایشگاه از تاریخ ۱۱ شهریور ماه جاری در نگارخانه شهرداری سندج واقع در خیابان شهداء این شهر اهل هنر و فرهنگ برپا شده و شامگاه امروز ۱۶ شهریورماه جاری به پایان می‌رسد.

مکانیل رحمانی افزود: در این نمایشگاه ۴۸ اثر از ۴۵ هنرمند از هنرمندان برجسته، پیشکسوت و جوان کشور و کردستان به معرض نمایش گذاشته شده است.

رحمانی گفت: در این نمایشگاه آثار هنرمندانی همچون هادی ضیاءالدینی، مسعود مرادلسیمی،عثمان نیک منش، بهرام کیارستمی، سحر بهیودی، شیلان برهانی، آرام آل کنعان، شیمیا بدخشان، مکانیل رحمانی، آرش زمان، زروان روحبخشان، باربد گلشیری، امیر معبد، شاهو اردلان و ... در معرض دید علاقمندان قرار داده شده است. وی با بیان اینکه در این نمایشگاه زمینه برگزاری جلسه نقد و بررسی آثار نیز با حضور کارشناسان و صاحبزنان کشوری همچون حمید سسوری و هلیا دارابی از منتقدین و مدرسین هنر فراهم شد و جلساتی نیز در زمینه هنر معاصر برگزار شد اظهار داشت: ارائه و معرفی آثار جدید هنرمندان، تقویت و توسعه هنر معاصر و فراهم کردن حمایت از هنرمندان جهت نیل به اهداف هنری و فرهنگی توسط مسئولان از اهداف برگزاری این نمایشگاه بوده است که امیدواریم این مهم تحقق یابد.

به گفته رحمانی این نمایشگاه تا کنون به صورت سلاله برگزار شده اما از این بعد به دلیل گستردگی نمایشگاه و همچنین فراهم کردن حضور بیشتر هنرمندان نمایشگاههای بعدی به صورت دو سالانه برگزار می شود.

برگزاری دوره آموزشی شعر، عروض و قافیه کردی در بوکان

کردپرس _ سرویس فرهنگ و هنر: مسئول آموزشکده ی زبان کُردی و ادبیات کودکان ادب بوکان از آغاز نخستین دوره آموزشی شعر،عروض و قافیه کردی در این شهرستان خبر داد.

مصطفی ایلخانی زاده در گفت و گو با خبرنگار کردپرس در بوکان، هدف از برگزاری این دوره را آشنایی علاقه مندان به شعر کلاسیک و قواعد عروض و قافیه کردی عنوان کرد و افزود: این دوره به مدرسی سعید نجاری (اسو) به مدت یک ماه برگزار می شود. وی یادآور شد: علاقه مندی می توانند از طریق شماره تماس ۰۴۸۲۶۲۴۲۷۷ یا مراجعه به کتاب فروشی ادب واقع در خیابان شهید بهرامی، جنب آموزشگاه کامپیوتر سهیل در این دوره ی آموزشی ثبت نام کنند.

رضا خندان مهابادی نویسنده،منتقد و فعال اجتماعی را بیشتر با مجموعه «داستان های محبوب من» و «فرهنگ افسانه های مردم ایران» می شناسیم.وی متولد سال ۱۳۳۹ می باشد و همواره در محافل ادبی از او به عنوان یکی از منتقدین مطرح و شناخته شده نام برده می شود. در این گفت و گو سعی بر آن شده تا نظرات وی را در خصوص ادبیات کردستان ایران و عراق و همچنین جایگاه و آثار نویسندگان کرد، جویا شویم.

❖ در مورد آخرین وضعیت کاری خودتان بگویید. چه کتاب هایی را آماده چاپ دارید؟

جلد هفتم «داستانهای محبوب من» و جلد بیستم «فرهنگ افسانه –های مردم ایران» در حال آماده شدن است. کتاب دیگری با عنوان «دانه و پیمانه» را یک سال پیش ناشر برای مجوز به ارشاد فرستاده اما همچنان بی پاسخ وبالاتکلیف مانده. اینها کارهای مشترک با درویشیان است. در عرصه نقد ادبی و داستان کارهای دیگری انجام داده ام ، از جمله مجموعه داستان «نفراده ها» ، که به دلیل وضعیت که ارشاد ایجاد کرده از ارسال آنها برای گرفتن مجوز خودداری می کنم.

❖ همکاری شما با علی اشرف درویشیان از چه زمانی شکل گرفت، در مورد کارهایی که با هم انجام داده اید و یا در حال انجام دارید، کمی صحبت کنید.

همکاری من و درویشیان از سال ۱۳۵۸ در «شورای نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان» شروع شد.البته من در آن زمان نوجوان بودم با این حال دو کتاب منتشر کرده بودم. اولی «چه های محل» نام داشت و دومی «از کوزه همان برون تراود که در اوست». اولی مجموعه داستان برای نوجوانان بود و دومی نقد داستان های خاتم قدسی قاضی نور. در سال ۵۸ به پیشنهاد درویشیان و همراهی ده دوازده تن از نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان «شورای نویسندگان...» را ایجاد کردم که تا سال ۱۳۶۰ فعال بود. در این شورا آثار منتشر شده برای کودکان و نوجوانان را بررسی و نقد می کردیم که حاصل آن سه مجموعه نقد بود. البته سومین شماره گرفتار بلایای سال ۶۰ شد و منتشر نشد. تا سال ۱۳۶۷ از درویشیان خبر نداشتیم. در این سال باز دیداری دست داد و ایشان پیشنهاد گر راوری فرهنگ افسانه ها را داد که برای من شروع

روایتی از گفتوگو با «علی اشرف درویشیان» به انگیزه ۷۲ سالگی اش

آن روزها که گفتوگو کردیم، اردیبهشت بود و کتاب‌هایش را از نمایشگاه کتاب جمع کرده بودند، پیرمرد تلخ بود. آنقدر گفتیم و شنیدیم تا نوبت به سرخوشی هارسید.

پرسیدم: «داستان‌های شما خیلی‌ها را دل‌بسته داستان کرد، خود شما را چه کسی دل‌بسته داستان کرد؟» پاسخ داد: «کودکی و جوانی من در یک خانواده کارگری گذشت. دایی‌هایم کارگر شرکت نفت کرمانشاه بودند و در آنجا توده‌ها بسیار تاثیرگذار بودند و تشکیلات داشتند، دایی کوچکم وقتی به خانه می‌آمد کتاب‌های «هاکسیم گورکی» را می‌خواند و من تحت‌تاثیر آن داستان‌ها قرار می‌گرفتم. دایی بزرگ‌ترم نیز عضو «جبهه ملی» بود، اهل خانواده، هر شب در مورد مسائل مختلف با هم بحث می‌کردند. در خانه ما کتاب و رمان خوانده می‌شد، مادر بزرگم برای ما افسانه می‌گفت همه اینها باعث شد من به سمت کتاب خواندن جلب شوم. و این ادامه داشت تا وقتی که معلم شدم و به گیلان غرب رفتم. گیلان غرب ضربه نهایی را به من زد که درباره آن بچه‌ها بنویسم. اولین بار در زندان کرمانشاه شروع به نوشتن کردم. آمدن من به تهران و چهره‌هایی که در دانشگاه با آنها آشنا شدم تاثیر بسیار زیادی در پیشرفت من داشت. آشنایی با کسانی چون دکتر امیرحسین

اندیشه

رضا خندان مهابادی؛

رنجی که انسان در آثار بختیار علی می برد برای ما آشناست

رفیق صابر

مجدد کار ادبی بود. از آن سال به این کار مشغول هستیم و تا به حال نوزده جلد از: «فرهنگ افسانه های مردم ایران» منتشر شده است. مجموعه دیگری که سالهاست مشترکا با درویشیان انجام میدهم انتخاب و نقد و بررسی داستان کوتاه ایران در طی ۸۰ سال است(۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰). انتخاب داستانها با درویشیان است و تقد‌ها را من مینویسم. تا به حال شش جلد از این مجموعه ده جلدی با عنوان «داستانهای محبوب من» منتشر شده و تا اینجا داستان های منتخب دهه های چهل تا هفتاد خورشیدی نقد و بررسی شده اند. جلد هفتم آن نیز به دهه های آغازین داستان نویسی مدرن ایران اختصاص دارد.

گذشته از اینها طی این سالها گاه نقدهای مشترکی بر رمان یا داستانهایی نوشته ایم که در نشریات مختلف چاپ شده است. این نقدها را همراه با چند نقد منفرد و چاپ نشده در کتابی با نام «دانه و پیمانه نقد و بررسی چند رمان و مجموعه داستان» گرد آوردم که فعلا در محاق وزارت ارشاد است.

❖ به عنوان یک منتقد با تجربه، وضعیت امروز داستان نویسی در کرمانشاه و کردستان را در مقایسه با گذشته چگونه ارزیابی می کنید؟

نمی دادم منظور.تان از: «گذشته» کی و چه مقطعی است. ولی تا آنجا که من اطلاع دارم کرمانشاه و کردستان اکنون از نظر گرایش به داستان نویسی وضعیت خوبی دارد یعنی علاقمندان به این نوع کار ادبی کم نیستند. شش سال پیش همراه با

علی اشرف درویشیان چند بار به کرمانشاه امدیم و جلسات داستان و نقد داستان برگزار کردیم. هر بار تعدادکسانی که به این جلسات می آمدند بیشتر می شد. و مطمئن هستم اگر ادامه پیدا می کرد باز هم شرکت کنندگان بیشتری می آمدند. متأسفانه با بیمار شدن درویشیان این جلسات نیز تعطیل شد.



آریان پور، خاتم سیمین دانشور و آقای محمد باقر مومنی که ایشان باعث شد کتاب «از این ولایت» در نشر «صدای معاصر» که انتشارات معتبری بود چاپ شود.»



داستانی ایران عمدتا با آن نوشته شده مثل زبان کردی زیر فشار و در تنگنا نبوده البته سانسور بر نویسندگان اعمال می شده ولی استفاده از زبان فارسی جرم نبوده. کردستان عراق استفاده بی مانع از زبان کردی را تازه دو دهه است که آغاز کرده و به طور کلی وضعیت جامعه ایران از نظر تاریخ اجتماعی و ادبی و فرایند انکشاف طبقاتی با جامعه کردستان عراق متفاوت است. به این معنا داستان نویسی در کردستان عراق و ایران یکی نیست. گر چه به دلیل برخی تشابهات گاه از داستان نویسان ایرانی چیزی کم ندارند اما در مقایسه کلی وضع فرق میکند. زیرا ایران نزدیک به یک قرن از موجود در داستان های شیراز حسن همان دغذغه های فرهنگی است که ما هم داریم. با رنجی که انسان آثار بختیار

منتشر کردید، این نام از کجا آمد؟» کمی خندید و تجدید خاطره کرد و گفت: «آن زمان در اداره فرهنگ و هنر که در واقع اداره سانسور بود، نسبت به اسم من حساسیت وجود داشت. نام لطیف را از داستان «۲۴ ساعت در خواب و بیداری» صمد بهرنگی گرفتم و تلخستان هم روستایی بود در اطراف سنقر کلیایی که من دوره‌ای به آنجا رفتم و آمد داشتیم و این دو نام تبدیل شد به لطیف تلخستنی.»

عکسی پشت‌سر نویسنده کنار چند شاخه رز سرخ خوندمای می‌کرد. تصویر، نمایی از سه مرد بود با سبیل‌های کلفت و عینک‌های کائوچویی؛ از ابتدای گفت‌وگو مدام چشمم دنبال آن عکس بود، وقتی فهمید دارم عکس را نگاه می‌کنم توضیح داد که همراهانش در عکس «خسرو گل‌سرخي» و «فریدون تنکابنی» هستند. پرسیدم: «داستان این عکس چیست؟» دست برد و عکس را از روی طاقچه برداشت و پایین آورد، مدتی محو تصویر شد و از واکاوی خاطرات که باز آمد، گفت: «من همیشه رفتن به مناطق فقیرنشین را دوست داشتم تا مردم را ببینم در دوره دانشگاه به «خسرو گل‌سرخي» برخورد‌م او به این‌جور جاها می‌رفت و من را هم با خودش می‌برد. یک روز با خبر شدیم که در «دروازه غار» آن زمان و خیابان «خیام» فعلی، در جایی به نام مرکز تنظیم خانواده، بچه‌ها

چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۱

علی می برد برای ما رنجی آشناست. با شورگری بعضی داستانهای پیربال‌همینطور.

❖ به نظر شما دلیل موفقیت رمان «آخرین اثار دنیا» در ایران چه بوده است؟ چه ویژگی های داشته که در کمتر از ۳سال سه بار تجدید چاپ شده است؟

من واقعا متأسف می شوم وقتی می شنوم که مثلا تیراو مجموعا شش هفت هزارتایی یک رمان را موفقیت به حساب می آوریم. این برای جامعهٔ هفتاد و پنج ملیونی عین شکست است. آن هم جامعه ای که سالها پیش از این بوقتی جمعیتش نصف جمعیت کنونی بود، در چاپ داستان تیراژ پنجاه هزار و صد هزارنسخه داشت. اشاره ام به سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ است. سالهای بی سانسور، سالهای فضیلت بودن کتابخوانی، سالهای معتبر بودن کتاب. با این حال وقتی به طور نسبی می سنجیم، بله ، این که در شرایط کنونی کتابی در سه سال به چاپ سوم برسد، یک موفقیت است پرسیده اید چرا؟ میدانم که بختیار علی نویسندهٔ «آخرین اثار دنیا» در کردستان عراق بسیار شناخته شده و محبوب است اما در ایران چندان شناخته شده نیست. پس عامل نام نویسنده در توفیق این اثر در ایران خیلی دخیل نیست پیرامون انتشار این کتاب نیز تبلیغات وسیعی نشد. همچنین راه به فروش بخشنامه ای پیدا نکرد. گذشته از دغذغه های مشابهی که در پاسخ سؤال قبل به آن اشاره کردم فکر میکنم یک عامل عمومی و یک عامل خاص باعث شده که این رمان به چاپ سوم برسد. عامل عام پرفروشر بودن آثار ترجمه شده به نسبت آثار تالیفی در ایران است. (داستان تالیفی، آنچه که رسما منتشر میشود، به سراسیمبی تاسف انگیزی افتاده است) و عامل خاص استفادهٔ آرش سنجایی از زبان ساده و ماجرا محور در ترجمهٔ این اثر است. حالا که صحبت از این رمان شد خوب است که اشاره ای هم به نام میروان حلیچه ای کنم. چون ایشان هم «آخرین اثار دنیا» را خیلی وقت پیش ترجمه کرده است. امیدوارم ترجمهٔ ایشان هم منتشر شود.

گفت و گو: سید مهران موسوی احمدیان

نمایشی به نام قهوه‌خانه را روی صحنه برده‌ام. ما به آنجا رفتیم و این عکس من و گل‌سرخي و فریدون تنکابنی در حال تماشای آن نمایش در آذرماه۵۱ است. درست یک سال پیش از دستگیری و اعدام گل‌سرخي»

از گل‌سرخي که گفت چشمانش سرخ شد و به خون نشست، نخواستم بیشتر از این تلخ بماند پرسیدم: «علی اشرف درویشیان برای ادبیات ایران چه کرده است؟» کوتاه پاسخ داد: «هیچ». کمی سردرگم شدم، هنوز در حال و هوای گل‌سرخي بود. خودم را جمع و جور کردم و گفتم: «البته سوال من به گونه‌ای است که فروتنی شما ایجاب می‌کند همین جوابش باشد اما می‌خواستم بدانم در مجموع از فعالیت‌هایتان طی این‌همه سال راضی هستتید؟» دوباره چشمانش باهوش شد، هوشی سرخ به جانش ریخت و گونه‌هایش گل انداخت. مدتی نگاه کرد، فقط نگاه کرد. نه به من نه به ما، نه به هیچ کجا... سرانجام بغض گلویش را گشود و گفت: «من از اینکه نگذاشتم صدای صمد بهرنگی خاموش شود و راهش را ادامه دادم -هر چند با ناتوانی و ضعف- راضی هستم. زندگی من و صمد بهرنگی خیلی شبیه هم بود. خیلی.» جمله‌اش که به‌انتها رسید، دیگر بغضی جاری نبود در کلمات نویسنده، تنها اشک بود که از چشمان علی اشرف بر گونه‌های ما سر می خورد.

من این راه را بارها آمده ام

■ علی الفتی ■

من این راه را

بارها آمده ام؛

گرازی که پوزه هر راه شوشه نهاده بود

لوله های تلمبه خانه ی نفت

پادگان نظامی متروک

این ها

شوق دیدار پدر بودند

که با دوچرخه ای

پا به کفش کتانیش می نهاد•

پیش از این

راه تناسب سایه وروهار بود

ما شیرجه می زدیم درآب رودخانه ی پل فلزی،

آن گاه آن مستر مست از اتاق کمپ

چشم در صحرای ما می چراندو

ماغ می کشید در دل شب•

از مرگ ما در قرص کامل ماه

هنوز

شهر از نفت بسیار می سوزد و ما

از عشق

به دختر سپاه نفت شهر

دەق و دەسلەت

ئابدۇلئۆزبا: ئاڧاقى تېۋان دەق و دەسلەت

بىشى تېنچەم

◄ شارام ۋەلىدەي ►

ئەمدى دواتر چى رويىدا و ماركسىزىم بە كام ئاقاردا ھەنگايرى ھەلىئا وا جۇرچ ئۇرۇپلى ھانئا «كىلگىلى ئاۋلان» بىنوسىتت و رق و قېنىسى قولى خۇى لە ماركسىزىم بە زورەخەنەمىكى ئال و تېزۋە ھەلپۇتۇ، با مېنىتى ۋو كاتىتېكى تر و شىرتىتىكى لە پارتى؛ بەلام ماركسىزىم لە سەرھادا و لە سرچاۋەى ھەلقۇلالى خۇيسدا ترگەى ئېزە شىرتىكى برىنەدارۋو لە كۈت و بەندى نايەكسانى راپەرۋىپوو و بە سەر جەۋىستەنرەبى چىنى ھۇاردا دىگۈرئانە و يازى و باۋرى ۋەفەرئەۋو، ھەتتە ئىك ماركسىزىمى لەسەر گېرسا بوو ھەلمەتى مافخزانۋەى ھۇاران و بەشخوارۋان بوو ۋو سەنئەنەۋى بەشى ھەلمەقوت كراى خۇيان لەلايەن بەشېران و بەشخۋارنەۋو.

لە راستىيا كركلە و مەرزى ماركسىزىم بە بىۋرەكى گۇرۋىنى دنيا پىرسا بوو. دنيايەك كام كىسەستەكان وئشان دەرە بە ھىچ كلۈجىك جىي قىۋول كەرن و لاتىتكى ھىشتا ملۈئىن كەمىدا پىتتچ شەش ملۈئىن كەس لەسەد نەۋەدى داھاتى نەۋت و گاز و كاتزا و كارخانە دابەش ەمبو بە سەر دوو چىندا؛ چىنى بانەمست و چىنى بنەمست؛ چىنى بانەمست كەمىنەمىك بوو دەسلالنى ژۋىرنەى سەرچاە ئابۋورپەكە كانى بەمست بوو، كەمچى چىنى بنەمست ۋەشلىى بىۋو؛ واتە ژۋىرنەمىك ەر ۋەش و رۋوت و بەشېرا بە شىۋەمىك تەنيا بەشكىكى ژۋر بىچۈكى سەرچاە ئابۋورپەكە كانى بەردە كەۋت. بۇ نەۋنە ماركسىستەكان دىھاىگرت لە لاتىتكى ھىشتا ملۈئىن كەمىدا پىتتچ شەش ملۈئىن كەس لەسەد نەۋەدى داھاتى نەۋت و گاز و كاتزا و كارخانە كەمىنەمىكى پارەدارى ھەلقاربا و پىكتىندىن ۋا لەسەد نەۋدى دەسلەت و برىارە چارۋىۋس سازەكانىشى بە دەستەۋو؛ لەم لاشەۋرە ژۋىرنەمىكى ھەفتا و پىتتچ ملۈئىن كەمى دەپىتتەۋە و تەنيا لەسەد دىى سامانى ۋولائەكميان دۋىن و ھەر يەۋ پىتتەش رېژى برىار و دەسلالتيان كر و لاۋازە.

قەسى تىدا نىيە لە ھەر پارىكەرە بىگىرى ھىزىكى پىتتچ ملۈئىن كەمى ژۋر بىچۈرەكتە؛ لە ھىزىكى ھەفتا و پىتتچ ملۈئىنى، تەنىد ئۇم قەبارە بىچۈر كە چۈن ئەۋ دەسلەتە بە دەستەۋە دەرگى و لەۋەش گرېنتىگر، چۈنى دىھارېژى و تېۋىچى دەكات و بۇ خۇى دەپىتتەۋە؟ پىرسايرە كە پىرسايرىكى ژۋر گرېنتەك و ۋلامەكەى دورەمخات ماركسىستەكان چۈن دىھان گرېنتەپە دەسلەتەۋە. بۇ دەمستەتتەنى ئاۋھا دەسلەلتيك و بۇ دەرژېتئانلى، چىنى بانەمست دوو رېنگەى لە بەردەسەپا؛ بە كەم، پەنا بۇ زەير و ژۋرى رۋوت و قوت ببات و بە ھەرشە و گورەشە و تۋاقتان و لپان و كەلچە و زىندان و ئەمكەنچە و كوشتن و برېن، ئەۋ ژۋىنە مەلەمكى خۇى بىكات؛ دوۋەم، بە دق و نووسىن و وتار و پەرۋودە و ۋاھىتان و دارەشتنى پلان بۇ پەلگىتئش كەردى بىر و براى خەلكى و ارىكتشانى ئاراستەى بىر و بوچۈرەپان بەلەى كەمەتە كانى خۇيدا سۋارى مىلان پىن و بىپەتتەننەى ژۇر و كېتىشى خۇيدا، ۋە مەسىل و مەرامى خۇى وئزمەكى لى ببات، ژۋر و زەيرى رۋوت تېچۋدى ژۋر ژۋرە و لە بارى ئابۋورپەۋە شىۋەۋ، تۇ ئەنگەر پەتھەۋى ھەقتاپۋىتتچە كەس بە زەيرى لپان و كوشتن مەلەمكى ۋىست و داۋارەپەكە كانى خۇت كەىكى، ھىچ نەمى دەپى ھەفتا و پىتتچ ملۈئىن كەمىى تر بە بىگىرست و ھەفتا و پىتتچ ملۈئىن چەكەن بۇ بىكرېت و لە شىۋو و ۋۇژىكا بىست و چارە كاتزۋىتر پارمەن پەن بەدى بو ئەۋە ئەۋ ھەقتاپۋىتتچە ملۈئەنە كەى تەرت بۇ سەرگەت نەكەن. جا ئەنگەر ئەۋ ھىزە تۋىتتەۋە لە خۇت ھەلگەراتەۋە و لوۋلى چە كەكائىان لى كرۋىتە، دەپى بە چى ۋىستە لاسار و كەپ و كۈرەكەيان دابىر كىنى؟

ئەندى ئەۋ چەك و بارە ژۋرە لە كۈى پىنى؟ شاخۇ رېنگەيكى ھاساتت و ھەرزاتتە دەست ئاكامى؟ بەللى. بوچى نا. دەست كەۋى. رېنگاى ھاساتت و ھەرزاتتە و دەرژەداتر و جىگىر و مەسۇگر، ئابدېۋلۇۋاپە، بە كۈردى و كۈرتى ئابدېۋلۇۋا گەجاندنى خەلك. تۇ بىن ئەمدى پەنا بۇ كوشتن و برىنى خەلكى بېمىت، راستىيەكان پىچەۋانە دەكەيت و ۋاى دەۋىنى گۈراپە ئەمدى دىكەيت لە بەرۋەژىدەى ئەۋانداپە كەچى لە راستىيادا تۇ بو بەرۋەژىدەى خۇت و بە قازانچى خۇت و بە زىائى ئەۋان و دۇ بەرۋەژىدەىكە كانى ئەۋان كار دەكەيت. ماركسىستەكان لەۋبراپىدە بوۋن لە شەرى چىنەپەشيدا، چىنى بانەمست كەلك لە زەمان و وئزە و ھۈنەر و وئزار و پرەشت و ئابىين و ئابىتاز ۋورەگرت بۇ ئەمدى ئەۋمەكى مەرۋاۋو بولقۇتئى لەۋ راستىيەپە لە دنياى دەۋە ھىيە و برا پەۋ راستىيە بەراۋرۋو كراە لە ناخ و ھەتتا و پىتتچ ملۈئەنەكەيان ئەۋ كەم دەنەملوئى تەۋا و رەگى دەسلەلتيان رۇچۋوتە تئو مېشك و دلى ئەۋ ھەفتا و پىتتچ ملۈئەنەكەيان ئەۋ كەم دەنەملوئى تەۋا و بەمەش پتت و پەنمايان ساۋىلكەى و گەمەزىي و بە زەمانىكى خۇمانى و ساكار كەرتكى چىنى بنەمستە، لەم رېنگاۋە بو دابەپەندى خەمكى خۇيان بە سەرباندا ھىچ پىوستىيان بە كئى كەردى خەلكى ەردەكى ئابىت لەمەر ئەمدى پىنەمست ھىزىرتىكى ژۋر ئەۋم و ژۋر كارىگەر بۇ چەۋساندەۋى خۇى و لە خەزمەتى پەرزۋەنەپەكە كانى چىنى بانەمستا. تىندى لاۋامى ئەۋ دەكانە كۈپلە و بنەمستى خۇى.

با چى دى چاۋرېۋى ئەۋە نىيەن، سىستەمى سەرەمەدارى ئىنسانئۇتاتەر لەۋى كە ھىيە، ھەلسۈكەرت بىكات، با چى دى گۈپ بۇ فەلىسەۋفە تازەكان رانەۋىزىن كە لەمىر ئېۋىر ئاستى ھۇشيارمان بىلدە بىكەنەۋ، دەسلگۈچتېن،با نىيى بىر لە رېنگەچارەمكى رادىكالېكىنەۋ!

(ئالتىن بايىۋ)

ئالتىن بايىۋ لە ۱۷ جەئانفېۋرى ۱۹۳۷ دا، لە (دېجات) پەلتەختى مەغىرب لە دىك بولمى بۈد، ئەۋ ھەر لە گەنجىيەتپەۋە لە بۋارى ساسىتا چالاك بۈدە و دىك كۇمۇنىستىك لە دۇى بە كۇلۇنپالەكرەنى جەزائىر لەلايەن فەرساۋەخەتائىكى سەختى كەردۈدە بەكەمىنۋۇماتى لىماللى ۱۹۴۵ نوسىۋە لە ۱۹۴۷ دا لە خۇلېكى خۇتئىنا كە لوس ئالتۇسىر سەرپەرشتى كەردۈدە بەشلا بۈدە و ھەر ۋەخەۋە كەۋتۈرە ژۇر كارىگەرەمىنى ژاك لاكان راپۋىنى خۇتئەكارانى مى ۱۹۴۸ پارس بايۋى ھۇالندۋە و گىلېك جار شەرى كەرمى فېكىرى لە گىل ژېل دىلوز و لېۋتاردا كەردۈدە، «بۋىن و رۋودار» شىكارى سەركى ئەم فەلىسەۋفە دېتە ئەۋمار كە لىماللى ۱۹۴۸ نوسىۋىنى و لە ۱۹۴۹ ياش بە دۋارە، پۇ فۇسۇزى بۋارى فەلسەفەفە لە «ENS (كوئېزى بالى پەرۋودە) كە سارت لۋى خۇتئەۋىتى، ھەلۋەكەنى لەرەۋ فەلسەۋفە دەۋرى: تېۋىۋى پۇلەتېك، چەمكى حەقىقەت، داھىتان و نىستاتېك چە رەۋىتەۋە.

ئالتىن بايىۋ دۇرۇمى ژۇرە رەنگە بەلەى بە كەم لە سۇنگەى ئەۋەت، كە رەختەكلەۋىكى ئىشې سەخت دەكەن بە ۋەخەن، ئەۋماتى كە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە.

بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى ماتۋىيانىيە، ئاۋھا كە دېلتئە: «باسام ماتۋىيەگە لە فەرساۋاسەپا كى ئائىنەتائى سەركۈتەگرە مەزىنىشە دېتتە: ئەۋمە جىي گومائە». بايىۋ كە لە (۱۹۴۸) اۋە بەشدارى ھىچ دەنگائىكى كە كەردۈە بە گومائەۋە سەيرى ھەلۋازەن و پەرلەمان دەكات و دېلتئە: «ئەۋە پەرلەمان بوو ھەتەرلە بە لوۋتەكى دەسلەت گىياند»، ئەۋ ئەۋە نېگەرە كە فەرسا لەۋم شەرئەدا بەشلا دېتت كە ئەمەركا ھەلپەندە كېرەستېت و ھەرۋا تەپا نېگەرە كە دېلتئە: «ئەۋمە ھىچ دۋولەتېكى بەختلە لە شۇنى دەۋرۋە دېن و مۇلتى مات

